



دانشکده علوم اداری و اقتصادی

گروه اقتصاد

عنوان پایان نامه:

بررسی ارتباط بلندمدت میان پنج متغیر کلان اقتصادی و درآمدهای نفتی

(مطالعه موردی: کشورهای ایران، نروژ و ونزوئلا)

مؤلف:

قاسم بابائی

ارائه شده جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته اقتصاد گرایش نظری

استاد راهنما:

دکتر محمد جواد رزمی

اساتید مشاور:

دکتر مصطفی سلیمی فر

دکتر محمد حسین مهدوی عادل

شهریور 90



فهرست

۱	مقدمه
	فصل اول: کلیات تحقیق
۳	1-1) مسئله اصلی تحقیق
۳	2-1) تشریح و بیان موضوع
۵	3-1) ضرورت انجام تحقیق
۷	4-1) فرضیه‌های تحقیق
۷	5-1) اهداف اساسی تحقیق
۸	6-1) نتایج مورد انتظار تحقیق
۹	7-1) روش پژوهش
۱۰	8-1) قلمرو تحقیق
۱۰	9-1) روش‌های مورد نظر برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها
	فصل دوم: مبانی نظری
۱۳	مقدمه
۱۳	1-2) ارتباط درآمدهای نفتی و نرخ ارز
۱۵	2-2) ارتباط درآمدهای نفتی و تولید ناخالص داخلی
۱۸	1-2-2) دلالت‌های اقتصاد کلان درباره ارتباط درآمدهای نفتی و تولید ناخالص داخلی
۲۰	2-2-2) دلالت‌های اقتصاد خرد درباره ارتباط درآمدهای نفتی و تولید ناخالص داخلی
۲۱	3-2-2) تجزیه و تحلیل بیماری هلندی
۲۱	1-3-2-2) اثرات کوتاه‌مدت
۲۴	2-3-2-2) اثرات بلندمدت
۲۸	4-2-2) مکانیسم‌های اثرگذاری درآمدهای نفتی بر تولید ناخالص داخلی از دو طرف عرضه و تقاضای کل
۲۹	1-4-2-2) تقاضای کل
۳۱	2-4-2-2) عرضه کل
۳۲	3-2) ارتباط درآمدهای نفتی و تورم
۳۲	1-3-2) تعریف تورم

۳۲	2-3-2) نظریات اقتصادی در خصوص منشأ تورم
۳۲	1-2-3-2) نظریه مقداری پول
۳۴	2-2-3-2) نظریه جدید مقداری پول (پول گرایان)
۳۵	3-2-3-2) الگوی شکاف تورمی کینز
۳۵	4-2-3-2) الگوی فشار هزینه
۳۶	5-2-3-2) الگوی تورم از دیدگاه ساختارگرایان
۳۶	3-3-2) ارتباط درآمدهای نفتی و تورم
۳۷	1-3-3-2) اثر درآمدهای نفتی بر تورم از طریق واردات
۳۸	2-3-3-2) اثر درآمدهای نفتی بر تورم از طریق کسری بودجه
۳۸	3-3-3-2) اثر درآمدهای نفتی بر تورم از طریق سیاست مالی انبساطی
۳۹	4-3-3-2) اثر درآمدهای نفتی بر تورم از طریق نرخ ارز
۴۰	4-3-2) اثر تغییرات نرخ ارز بر قیمت‌های داخلی
۴۲	5-3-2) تورم ساختاری در اقتصاد ایران
۴۳	4-2) ارتباط درآمدهای نفتی و سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی
۴۳	1-4-2) مکانیسم تأثیرگذاری درآمدهای نفتی بر سرمایه‌گذاری
۴۵	2-4-2) عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری
۴۹	5-2) ارتباط درآمدهای نفتی و تجارت خارجی
۵۰	1-5-2) ارتباط درآمدهای نفتی و واردات
۵۰	1-1-5-2) ارتباط درآمدهای نفتی و واردات از طریق نرخ ارز
۵۰	2-1-5-2) ارتباط درآمدهای نفتی و واردات از طریق اثر تورم
۵۱	3-1-5-2) ارتباط درآمدهای نفتی و واردات از طریق درآمدهای دولت
۵۲	2-5-2) ارتباط درآمدهای نفتی و صادرات غیرنفتی
۵۲	1-2-5-2) مکانیسم تأثیر درآمدهای نفتی بر صادرات غیرنفتی
	فصل سوم: پیشینه تحقیق
۵۵	مقدمه
۵۶	1-3) مروری بر تحقیقات انجام شده درباره تولید ناخالص داخلی
۵۶	1-1-3) مطالعات خارجی
۵۹	2-1-3) مطالعات داخلی
۶۱	2-3) مروری بر تحقیقات انجام شده درباره تورم

۶۱	3-2-1) مطالعات خارجی
۶۲	3-2-2) مطالعات داخلی
۶۵	3-3) مروری بر تحقیقات انجام شده درباره سرمایه گذاری
۶۵	3-3-1) مطالعات خارجی
۶۷	3-3-2) مطالعات داخلی
۷۰	3-4) مروری بر تحقیقات انجام شده درباره واردات
۷۰	3-4-1) مطالعات خارجی
۷۱	3-4-2) مطالعات داخلی
۷۳	3-5) مروری بر تحقیقات انجام شده درباره صادرات غیر نفتی
۷۳	3-5-1) مطالعات خارجی
۷۴	3-5-2) مطالعات داخلی
	فصل چهارم: روش شناسی اقتصادسنجی و برآوردهای تجربی
۷۹	مقدمه
۸۰	4-1) روش شناسی تجزیه و تحلیل داده‌های سری زمانی
۸۰	4-1-1) آزمون‌های ایستایی
۸۱	4-1-2) آزمون فیلیپس و پرون
۸۲	4-1-2-1) روش شناسی رویکرد باند
۸۴	4-1-3-1) آزمون همجمعی
۸۷	4-1-3-2) تصریح مدل تصحیح خطا و آزمون علیت
۸۹	4-2) بررسی داده‌ها و معرفی متغیرها
۹۰	4-3) نتایج تجربی
۹۰	4-3-1) نتایج آزمون باند
۹۱	4-3-1-1) نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته
۹۲	4-3-1-2) نتایج آزمون ریشه واحد فیلیپس و پرون
۹۴	4-4-1) آزمون همجمعی و آزمون علیت برای متغیرهای ایران
۹۴	4-4-1-1) تولید ناخالص داخلی
۹۶	4-4-1-2) تورم
۹۸	4-4-1-3) سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی
۱۰۰	4-4-1-4) صادرات کالاها و خدمات

۱۰۳	5-1-4-4) واردات کالاها و خدمات
۱۰۵	2-4-4) آزمون همجمعی برای متغیرهای نروژ
۱۰۵	1-2-4-4) تولید ناخالص داخلی
۱۰۷	2-2-4-4) تورم
۱۱۰	3-2-4-4) سرمایه گذاری ناخالص داخلی
۱۱۲	4-2-4-4) صادرات کالاها و خدمات
۱۱۴	5-2-4-4) واردات کالاها و خدمات
۱۱۶	2-5-4) آزمون همجمعی و آزمون علیت برای متغیرهای ونزوئلا
۱۱۶	1-2-5-4) تولید ناخالص داخلی
۱۱۸	2-2-5-4) تورم
۱۲۱	3-2-5-4) سرمایه گذاری ناخالص داخلی
۱۲۳	4-2-5-4) صادرات کالاها و خدمات
۱۲۵	5-2-5-4) واردات کالاها و خدمات
	فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادهای سیاستی
۱۲۹	مقدمه
۱۳۰	1-5) بررسی فرضیه ها و نتیجه گیری
۱۳۳	2-5) پیشنهادهای سیاستی
۱۳۸	منابع و مآخذ
۱۴۴	ضمائم

شناخت ماهیت ارتباط میان درآمدهای نفتی و میزان متغیرهای کلان اقتصادی د همواره مورد علاقه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران در کشورهای صادرکننده نفت بوده است. آزمون تجربی چنین ارتباطی، بخش قابل توجهی از مطالعات اقتصادی را در چند دهه اخیر به خود اختصاص داده است.

مطالعه حاضر تلاشی دیگر در جهت بررسی اثرگذاری و علیت میان درآمدهای نفتی و پنج شاخص کلان (تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی، صادرات غیر نفتی، واردات و نرخ تورم) در کشورهای ایران، ونزوئلا و نروژ است. وجه تمایز آن با سایر مطالعات مرتبط، از دو جنبه نمایان می‌شود: اولاً، این مطالعه با به کارگیری داده‌های سری زمانی و تکنیک‌های نوین اقتصادسنجی و مربوط به آنها استفاده شده است و ارتباط بین درآمدهای نفتی و متغیرهای کلان را به طور همزمان بررسی نموده است.

ثانیاً، با لحاظ کردن متغیرهای کنترل در مدل‌های اقتصادسنجی، خطای تصریح متغیرهای حذف شده را تصحیح نموده و تأثیر این متغیرها بر شاخص های کلان را بررسی می‌نماید.

مطالعه حاضر در پنج فصل تنظیم شده است. در فصل اول کلیات تحقیق ارائه شده است. فصل دوم، چارچوب نظری حاکم بر موضوع اصلی تحقیق را که ارتباط متقابل میان درآمدهای نفتی و پنج شاخص کلان (تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی، صادرات غیر نفتی و واردات) است، ارائه می‌کند. فصل سوم، به بررسی پیشینه تاریخی مطالعات صورت گرفته در خصوص ارتباط متقابل میان رشد فعالیت‌های اقتصادی و اندازه دولت، می‌پردازد. فصل چهارم، مشتمل بر دو بخش است؛ در بخش نخست، روش شناسی اقتصادسنجی و در بخش دوم، نتایج برآوردهای تجربی ارائه شده اند. فصل پنجم، نتیجه گیری کلی و نیز پیشنهادات سیاستی مطابق با نتایج تجربی تحقیق را در بر دارد.

فصل اول

کتابت حقیقت

1-1) مسأله اصلی تحقیق:

در چند دهه‌ی اخیر با رشد روز افزون اهمیت نقش دولت‌ها در اقتصاد در سطح جهانی روبه‌رو بوده ایم به نحوی که کشورهایی در زمینه‌ی اقتصادی موفق‌ترند که دولت‌های آنها شکل بهتری از مداخله در اقتصاد را به اجرا گذاشته‌اند. در این میان نقش دولت در کشورهای صادرکننده‌ی نفت، به دلیل وجود درآمدهای نفتی اهمیتی دوچندان دارد. چرا اغلب کشورهای صادرکننده‌ی نفت با وجود برخورداری از درآمدهای هنگفت نفتی، جایی در بین کشورهای پیشرفته ندارند؟ این مطالعه به بررسی ارتباط بلندمدت درآمدهای نفتی با پنج متغیر کلان اقتصادی (تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، سرمایه‌گذاری، واردات و صادرات)، در سه کشور ایران، نروژ و ونزوئلا در چارچوب یک مدل اقتصادسنجی خواهد پرداخت و مقایسه تحلیلی بین نتایج به دست آمده ارائه خواهد شد.

2-1) تشریح و بیان موضوع:

نوسانات قیمت نفت و به تبع آن تغییر درآمدهای نفتی، منبع اصلی آشفتگی برای اقتصاد اکثر کشورهای صادرکننده نفت است که البته اقتصاد کشورهایی که وابستگی شدیدتری به این درآمدها دارند، از جمله ایران، به تبع آن تأثیرپذیری بیشتری نسبت به این نوسانات دارند. هم‌چنان که شوک نفتی 1973 و افزایش ناگهانی قیمت نفت، اقتصاد ایران را دچار دگرگونی اساسی نمود و سهم بخش نفت در درآمد ملی را نسبت به بخش‌های دیگر اقتصاد به طور قابل توجهی افزایش داد (مباشروپور، 1384).

بررسی‌ها نشان می‌دهند که نه تنها در هنگام کاهش قیمت نفت بلکه در دوره‌های افزایش آن نیز اقتصاد ایران دچار عدم تعادل گردیده است. بنابراین، نفت با اقتصاد ما چنان عجین شده است که تصور جدایی

آن از زندگی روزمره غیر ممکن به نظر می رسد. به طوری که حدود 200 هزار نوع کالا به طور رسمی و غیر رسمی وارد کشور می شود و در ازای آن عمدتاً یک کالا به نام نفت صادر می شود که بیانگر یک اقتصاد تک محصولی است (ارسلانی، 1380).

درآمد ارزی ایران و به تبع آن رفاه مردم ایران در چارچوب یک اقتصاد تک محصولی تابع دو عامل است:

الف. قیمت نفت در بازار جهانی

ب. حجم صادرات نفت

روشن است که درآمدهای نفتی تابع همین دو عامل است و البته ایران نقش تعیین کننده ای بر هیچ یک از این دو عامل ندارد، زیرا که حجم صادرات تابع تقاضا در بازار جهانی و نیز سهمیه اوپک است و رونق و رکود بازار جهانی می تواند تقاضا را افزایش یا کاهش دهد. از آنجا که تاثیرگذاری بر رونق و رکود بازار جهانی خارج از تصمیم گیری ایران است، بنابراین قیمت نفت و صادرات آن به عنوان متغیرهای برونزا در اقتصاد ایران محسوب می شوند. نوسانات شدید درآمدهای نفتی که در پی شوک های نفتی ایجاد می شود، متغیرهای کلان در ایران را عمیقاً تحت تاثیر قرار می دهد. نوسان درآمدهای نفتی که ایران تاثیر چندانی در شکل گیری آن ندارد متغیرهای کلان ایران را به طور مداوم بالا و پایین می برد. بنابراین، تا زمانی که ایران به عنوان یک کشور نفتی ساختار تک محصولی دارد، در کشور ثبات اقتصادی وجود نخواهد داشت. آسیب پذیری شدید ایران از شوک های نفتی سبب شده است که اقتصاد ایران در هنگام بروز شوک دچار بحران شود.

در این تحقیق سعی شده است ارتباط بین نوسانات درآمدهای نفتی و متغیرهای کلان اقتصادی مورد بررسی و آزمون آماری قرار گیرد و در حد امکان راهکارهایی جهت اتخاذ سیاست‌های مناسب هنگام کاهش و افزایش درآمدها ارائه گردد. سعی بر آن است تا میزان تأثیر پذیری متغیرهای کلان از تغییر در درآمدهای نفتی مشخص شود. در ادامه، تحقیق در پی آن است تا آزمون‌های آماری را برای دو کشور نفتی دیگر، نروژ و ونزوئلا، نیز انجام دهد تا امکان مقایسه نتایج بین این سه کشور نفتی فراهم شود.

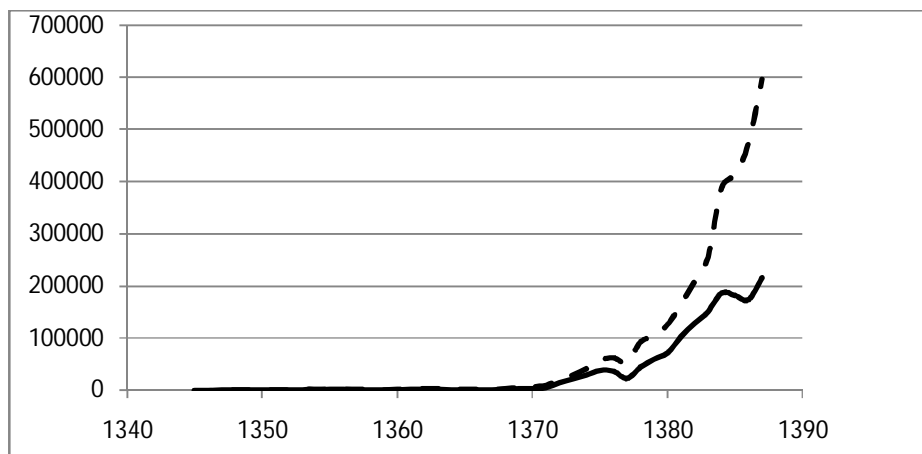
انتخاب دو کشور نروژ و ونزوئلا به این دلیل است که هر دو کشور از کشورهای صادرکننده نفت می‌باشند و در حوزه کشورهای نفتی جای می‌گیرند. انتخاب نروژ از بین کشورهای نفتی، به دلیل مشخصه‌های بارز این کشور در میان دیگر کشورهای نفتی است، و از آن جمله؛ عملکرد موفق این کشور در ایجاد صندوق ذخیره ارزی و نیز قرار داشتن در میان کشورهای توسعه یافته است. انتخاب ونزوئلا نیز به دلیل شباهت‌هایی است که اقتصاد این کشور با اقتصاد ایران دارد. از جمله این شباهت‌ها می‌توان به بزرگ بودن بخش دولتی و رانتی بودن اقتصاد ونزوئلا اشاره کرد.

متغیرهای کلان که این تحقیق در پی بررسی روابط علی آنها با متغیر درآمدهای نفتی است عبارتند از: تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی، واردات و صادرات غیر نفتی.

3-1) ضرورت انجام تحقیق:

در اقتصاد ایران طی دهه‌های اخیر اتکا به صادرات نفت خام جلوه روز افزونی به خود گرفته است. امروزه نفت درصد عمده‌ای از صادرات کشور و سهم قابل توجهی از منابع تامین بودجه دولت را به خود اختصاص داده و اقتصاد نفتی به مشخصه و ویژگی بارز اقتصاد ایران بدل گردیده است. به طوری که در جریان اقتصاد چهار دهه‌ی اخیر درآمدهای نفتی عاملی بوده که بیشترین تأثیر را بر اقتصاد ملی و

وجوه و جوانب مختلف آن به جای گذاشته و همچنین بسیاری معضلات بزرگ دیگر از قبیل، بزرگ بودن بخش خدمات و تسلط اقتصاد دولتی در کشور نیز تا حد زیادی از تسلط نفت بر اقتصاد کشور ریشه گرفته است. همانطور که در نمودار 1-1 ملاحظه می‌شود، کل درآمدهای دولت با درآمدهای نفتی دولت کاملاً هم راستا هستند.



نمودار 1-1

-خط تیره کل درآمدهای دولت را نشان می‌دهد و خط نقطه چین بیانگر درآمدهای نفتی دولت است.

مأخذ: سایت آمارهای بانک مرکزی ایران

* ارقام مربوط به دوره 1387-1345 و به میلیارد ریال است.

** منحنی خط چین کل درآمدهای دولت است و منحنی ممتد درآمدهای نفتی است.

در چند دهه گذشته، اقتصاد ایران وابسته به درآمدهای نفتی و تک محصولی بوده است. به طوری که قیمت‌های نفت و درآمدهای حاصل از آن حرف اول را در اقتصاد داخلی زده است. بررسی آماری نشان می‌دهد که، در این چند دهه میزان قابل توجهی (به طور متوسط 89 درصد) از درآمدهای ارزی کشور را درآمدهای نفتی تشکیل می‌دهند (مباشری‌پور، 1384). بنابراین، با توجه به اینکه، مهم‌ترین منبع تامین درآمدهای ارزی کشور، فروش نفت می‌باشد، بی‌ثباتی این درآمدها همواره برنامه‌های از پیش تعیین شده

کلان دولت‌ها را دستخوش تغییر و تحول نموده است. بنابراین، درک ارتباط بلندمدت درآمدهای نفتی و متغیرهای کلان اقتصادی ضروری به نظر می‌رسد.

4-1) فرضیه های تحقیق:

فرضیه اول) رابطه علی بلندمدت معنی دار و مثبت، بین تغییر درآمدهای نفتی و متغیر تولید ناخالص داخلی وجود دارد.

فرضیه دوم) رابطه علی بلندمدت معنی دار و مثبت، بین تغییر درآمدهای نفتی و متغیر نرخ تورم وجود دارد.

فرضیه سوم) رابطه علی بلندمدت معنی دار و مثبت، بین تغییر درآمدهای نفتی و متغیر سرمایه‌گذاری وجود دارد.

فرضیه چهارم) رابطه علی بلندمدت معنی دار و مثبت، بین تغییر درآمدهای نفتی و متغیر واردات کالاها و خدمات وجود دارد.

فرضیه پنجم) رابطه علی بلندمدت معنی دار و منفی، بین تغییر درآمدهای نفتی و متغیر صادرات کالاها و خدمات وجود دارد.

5-1) اهداف اساسی تحقیق:

اهداف تحقیق حاضر مشتمل بر موارد ذیل می باشند؛

در ابتدا، وجود رابطه‌ی بلند مدت بین درآمدهای نفتی و هر یک از متغیرهای موجود در این تحقیق برای کشور ایران بررسی خواهد شد و نیز میزان تاثیر گذاری درآمدهای نفتی بر متغیرهای اقتصادی مورد

بررسی قرار خواهد گرفت. در وهله دوم، برای دو کشور ونزوئلا و نروژ نیز، همانند ایران رابطه علی بلندمدت میان متغیرها بررسی می‌گردد. پس از بررسی روابط بلندمدت، الگوی تصحیح خطا و وجود و میزان ارتباط کوتاه‌مدت برای متغیرهای موجود، برای هر سه کشور ایران، نروژ و ونزوئلا مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در نهایت طی مقایسه‌ای تحلیلی، از نتایج آماری به‌دست آمده در سه کشور، به بررسی دلایل تشابه و یا تفاوت نتایج، بین ایران و دو کشور دیگر پرداخته خواهد شد. بنابراین هدف اصلی در این تحقیق، بررسی روابط علت و معلولی بلندمدت بین متغیر درآمدهای نفتی و پنج متغیر دیگر است. همچنین مقایسه‌ی نتایج به‌دست آمده بین سه کشور نیز از اهداف اصلی این پژوهش است. از طرفی اهداف فرعی مطالعه‌ی حاضر، بررسی تاثیر بلندمدت درآمدهای نفتی بر دیگر متغیرهای اقتصادی است. همچنین، بررسی روابط علی کوتاه‌مدت و نیز تأثیرات کوتاه‌مدت درآمدهای نفتی بر دیگر متغیرها از دیگر اهداف فرعی این پژوهش می‌باشند.

6-1) نتایج مورد انتظار تحقیق:

- 1- شفاف سازی رابطه علی بین درآمدهای نفتی و شاخص‌های مهم اقتصادی در ایران
- 2- بیان تأثیرات بلندمدت درآمدهای نفتی بر متغیرهای کلان اقتصادی
- 3- بیان روابط کوتاه‌مدت بین متغیر درآمدهای نفتی و متغیرهای کلان اقتصادی
- 4- فراهم سازی زمینه مناسب و مشخص، جهت برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت اقتصادی
- 5- تعیین و تبیین راه کارهای مناسب در مواجهه با شوک‌های نفتی و مقابله با آنها
- 6- منفک کردن متغیرهای تاثیر پذیر از سایر متغیرها در زمان بروز شوک‌های نفتی، جهت جلوگیری از نوسانات اقتصادی.

7-1) روش پژوهش

این تحقیق یک بررسی نظری، تجربی و کمی است. در این رابطه به بررسی روابط بلندمدت و کوتاه‌مدت درآمدهای نفتی بر پنج متغیر مهم کلان اقتصادی (تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی، واردات و صادرات) پرداخته می‌شود. لذا در این تحقیق با استفاده از تئوری‌های همجمعی، وجود همجمعی در بین متغیرهای موجود مورد بررسی قرار خواهد گرفت. به این علت که سری‌های زمانی دارای همجمعی از درجات مختلف می‌باشند و نیز این که بیشتر آزمون‌های همجمعی نیاز به سری‌های زمانی با همجمعی از درجات صفر و یک می‌باشند، در این پژوهش برای بررسی روابط علی بلندمدت و کوتاه‌مدت از روش آزمون باند پسران (2001) استفاده شده است. بردارهای همجمعی با تصریح و برآورد مدل *ARDL* استخراج می‌شوند. این روش توسط پسران و شین (1995) و پسران و دیگران (2001) با عنوان رویکرد روش خود توضیحی با وقفه‌های توزیعی (*ARDL*) معرفی و استفاده شده است. این رویکرد از محاسن ویژه‌ای نسبت به روش‌های قبلی برخوردار است؛ اول این که، این رویکرد بین متغیرهای وابسته و توضیحی تفاوت قائل می‌شود و مشکل درون‌زایی را حل می‌کند. دوم این که، اجزای بلندمدت و کوتاه‌مدت را به طور هم‌زمان تخمین می‌زند و مشکلات مربوط به متغیرهای از قلم افتاده و خود همبستگی را برطرف می‌کند. سوم این که، صرف نظر از درجه‌ی هم‌گرایی تخمین زن‌ها، سعی در تشخیص و تخمین مدل دارد و نگرانی قبل از تحلیل استاندارد همجمعی، درباره‌ی یکسان بودن درجه‌ی همجمعی متغیرها را برطرف می‌کند.

در روش آزمون باند الزامی برای هم انباشتگی یکسان برای متغیرها وجود ندارد و می‌توان از متغیرهایی با درجات همجمعی متفاوت در الگو استفاده کرد. در این روش برای از بین بردن تورش‌های احتمالی بین متغیر وابسته و متغیر مستقل از متغیرهای کنترلی استفاده شده است تا در حد امکان تورش -

های موجود را از بین برده و نتایجی عاری از تورش را به دست آورد. روابط کوتاه‌مدت بین متغیرها با استفاده از مدل‌های تصحیح خطای غیر مقید مورد بررسی قرار می‌گیرد. شایان ذکر است، بررسی و آزمون‌های آماری را برای سری‌های زمانی متغیرهای هر سه کشور انجام خواهد شد.

8-1) قلمرو تحقیق:

الف - دوره زمانی انجام تحقیق:

داده‌های استفاده شده در این تحقیق به صورت اطلاعات سالانه، و برای دوره زمانی سال 1974-2004 میلادی خواهد بود.

ب - مکان تحقیق:

کشورهای منتخب ایران، نروژ و ونزوئلا، قلمرو مکانی تحقیق را تشکیل می‌دهند.

9-1) روش‌های مورد نظر برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها:

اطلاعات آماری متغیرهای تحقیق از بسته نرم افزاری حاوی شاخص‌های توسعه جهانی^۱ (WDI) منتشر شده توسط بانک جهانی (2008) و نیز سایت سازمان کشورهای صادرکننده نفت (OPEC)^۲، و نیز بانک‌های مرکزی نروژ و ونزوئلا به دست آمده‌اند.

در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌های سری زمانی سه کشور ایران، نروژ و ونزوئلا، آزمون ریشه واحد فیلیپس و پرون^۱، آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته، روش خود توضیحی با وقفه‌های توزیعی^۲ و مدل تصحیح خطا برداری^۳ به کار گرفته شده‌اند.

۱ - World Development Indicators

۲ - Organization of the Petroleum Exporting Countries

بسته‌های نرم افزاری اقتصادسنجی مورد استفاده نیز عبارتند از: *Microfit* و *Eviews*.

فصل دوم

مباحث نظری

فصل حاضر به بررسی مبانی نظری چگونگی تأثیر درآمدهای نفتی بر پنج متغیر کلان (تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری، نرخ تورم، صادرات غیر نفتی و واردات) اختصاص دارد. در این فصل به بررسی مسیرهای اثرگذاری درآمدهای نفتی بر هر یک از پنج متغیر مذکور پرداخته شده است. همچنین دیدگاه‌های مورد نظر درباره‌ی مکانیسم‌های تأثیرگذاری درآمدهای نفتی بر هر یک از پنج متغیر مذکور مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و باتشریح عوامل اثرگذار بر متغیرهای کلان مورد بررسی، ارتباط درآمدهای نفتی و هر یک از متغیرهای کلان تفکیک شده است.

1-2) ارتباط درآمدهای نفتی و نرخ ارز

از آنجا که نرخ ارز یکی از متغیرهایی است که بر اکثر متغیرهای کلان هم‌چون تورم، تجارت، سرمایه‌گذاری و... تأثیر می‌گذارد، لذا در این بخش به طور مختصر به ارتباط بین درآمدهای نفتی و تورم در یک سیستم ارزی شناور پرداخته می‌شود.

در نظام نرخ ارز شناور، نرخ ارز از برابری عرضه و تقاضا در بازار ارز حاصل می‌شود و تأمین کسری ترازپرداخت‌ها از سوی بانک مرکزی الزامی نیست. نظام شناور عموماً به دو گونه‌ی نظام شناور شفاف و نظام شناور ناقص در نظر گرفته می‌شود، که نظام نرخ ارز شناور ناقص را، نظام مدیریت شده نیز می‌گویند. در نظام شناور شفاف، بانک مرکزی در بازار ارز دخالت نمی‌کند و نرخ ارز به طور آزادانه در بازار ارز تعیین می‌شود. در چنین وضعیتی به دلیل تعدیل نرخ ارز، معاملات ذخایر اسمی صفر خواهد بود. به عبارت دیگر، نرخ ارز در نظام مذکور به گونه‌ای تعدیل می‌شود که مجموع حساب‌های جاری و سرمایه

صفر شود. در نظام شناور ناقص، بانک مرکزی در بازار ارز مداخله می‌کند و از طریق خرید و فروش ارز در بازار ارز بر نرخ ارز تاثیر می‌گذارد.

باتوجه به مطالب مذکور، رابطه افزایش (کاهش) درآمدهای نفتی (به خاطر تغییر در قیمت نفت) و نرخ ارز اسمی با این فرض که از مدیریت سیاست پولی برای ثابت نگه داشتن سطح عمومی قیمت‌ها استفاده می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. نمودار (1-2) مکانیزم تعدیل نرخ ارز اسمی در واکنش به افزایش قیمت نفت را نشان می‌دهد. در نمودار مذکور، محور افقی مقدار و محور عمودی نرخ ارز را نشان می‌دهد. محور مقدار، بیانگر واحدهایی از کالا است که با هزینه کردن یک دلار می‌توان آن را به قیمت جهانی به دست آورد. مثلاً اگر قیمت جهانی هر پوند آلومینیم 80 سنت باشد، آلومینیم در واحد 1/25 پوند اندازه‌گیری می‌شود. لذا می‌توان منحنی تقاضای پول خارجی که متناظر با واردات کالاهای مختلف می‌باشد را با هم ترکیب نمود و تنها یک منحنی تقاضا برای پول خارجی (دلار) به منظور تأمین واردات در نظر گرفت. هم‌چنین با ادغام منحنی‌های عرضه پول خارجی مربوط به صادرات کالاهای مختلف، می‌توان منحنی عرضه پول خارجی که در واقع از صادرات حاصل شده‌است را به دست آورد. لذا منحنی‌های عرضه صادرات و تقاضای واردات در شکل مذکور بیانگر منحنی‌های عرضه و تقاضای پول خارجی کشور مورد نظر می‌باشد.

